



بازگشت به قرآن معیار وحدت امت اسلامی

دکتر مصطفی ذوالفقار طلب^۱

چکیده:

وحدت امت اسلامی از مهم‌ترین مسایل جهان اسلام است، به طوری که این موضوع، اندیشه متفکران و مصلحان جامعه اسلامی را به خود معطوف داشته است و در میان معیارهای ارائه شده از طرف اندیشمندان، جهت ایجاد وحدت و اعاده عزت و شوکت اسلامی، معیار بازگشت به قرآن، با حقیقت سازگارتر است. در این مقاله وحدت امت اسلامی را با توجه به مفهوم بازگشت به قرآن، خصایص، اسباب، مبانی و آثار آن مورد بررسی قرار می‌دهم.

واژگان کلیدی: قرآن، بازگشت، وحدت، نهضت، امت، اسلام، اصلاح.

مقدمه:

«وحدت»، مقوله‌ای است که آثار معنوی و فرهنگی آن، در طول تاریخ تمدن بشر بر کسی پوشیده نیست و در مقابل، واژه «تفرقه» یا «پراکندگی» واژه‌ای است نامقدس که یادآور ظلمت و تخریب هر نوع اتحاد و انسجام می‌باشد. اما معیار وحدت و انسجام باید بر اساس چه مبانی و اصولی باشد؟ آیا ارائه هر نوع معیار برای وحدت، دارای نتایج عملی مثبت و فراگیر خواهد بود؟ آیا در نوع

خاصی از معیار وحدت، توازن و تعادل بین اطراف مورد نزاع، رعایت شده است؟ در طول تاریخ زندگی بشر، از طرف اندیشمندان و صاحب‌نظران، معیارهای مختلف و متعددی جهت تحقق مفهوم وحدت ارائه شده است. معیارهایی همچون: وحدت بر اساس منافع قومی و ملی، جغرافیایی، سیاسی و طبقاتی. اما در نهایت، بیشتر این ملاک‌ها یا در این مهم توفیق پیدا نکرده یا دامنه موفقیت آن‌ها گذرا و ناپایدار بوده است. چه آن‌که بنای چنین اصولی برای رسیدن به وحدت متزلزل بوده و به دل‌ها راه نیافته است.

پس کدام اصول و معیار است که وحدتی پایدار و تمدن‌ساز را برای بشر به ارمغان می‌آورد و سعادت دنیوی و اخروی آنان را تضمین می‌کند و آنان را به امت واحد مبدل می‌سازد؟

عقل و تجربه بشری در طول تاریخ هستی خویش، ثابت کرده است که هر نوع وحدتی که بر اساس ایمان به خدای بی‌همتا باشد، وحدتی پایدار و سعادت‌آور است، به طوری که صفات عداوت و کینه‌توزی را به دوستی، محبت و برادری مبدل می‌سازد. از این روست که خدای عز و جل می‌فرماید:

«وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»^۲

و همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، که دشمنان [همدیگر] بودید، آنگاه بین دل‌های شما الفت داد، آنگاه به [فضل و] نعمت او [با یکدیگر] دوست شدید و بر لبه گودالی از آتش بودید و شما را از آن باز رها کنید. خداوند بدین‌سان آیاتش را برای شما روشن می‌سازد که راه یابید.

بر اساس معیار ایمان به خدای عز و جل است که شخص مؤمن، صفت اخلاقی ایثار را در زندگی برادر دینی خویش، پیشه خود می‌سازد:

«وَ يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۳



و [دیگران را] بر خودشان ولو نیازمند باشند ترجیح می‌دهند و کسانی که از آز نفس خویش مصون باشند، اینانند که رستگارند.

آری، وحدت در سایه ایمان به خداوند بی‌همتا یعنی دین آن ذات باری تعالی. همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید:

«شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ»^۴

از دین آنچه که نوح را به آن فرمان داده بودند و آنچه که به تو وحی کرده‌ایم و آنچه که ابراهیم و موسی و عیسی را به آن فرمان داده بودیم برایتان مقرر داشت [با این مضمون] که: دین را بر پا دارید و در آن اختلاف نورزید.

و بر همین مبنا باید وحدت امت اسلامی را در دایره دین اسلام جویا شد؛ دینی که عاری از هر نقص و عیبی است و از طریق آن، حجت بر انسان‌ها تمام شده است:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا»^۵

امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمت خویش را بر شما تمام نمودم و اسلام را [به عنوان] دین برای شما پسندیدم.

پرسش‌هایی که در این رابطه مطرح می‌شود، آن است که اگر دین اسلام، دین وحدت‌بخش است، پس وجود مذاهب و مکاتب متعدد و گاه متضاد میان پیروان امت اسلامی را چگونه باید تفسیر کرد؟ اگر دین خداوند عز و جل دینی سعادت‌آور باشد، پس چرا این بحران سیاسی، اجتماعی و دینی در تاریخ زندگی مسلمانان ملاحظه می‌شود؟! کدام بخش از دین، معیار وحدت قرار می‌گیرد؟ قرآن؟ سنت رسول‌الله (ص)^۶؟ یا هر دو با هم؟ و یا اجتهاد فقیهان؟

این‌ها، مجموعه‌ای از پرسش‌های بنیادینی است که باید در پی دادن پاسخی درست به آن‌ها بود. اندیشمندان و پیش‌گامان نهضت اسلامی، برآنند که امت

اسلامی، به شرطی عزت، شوکت، سلطه و سعادت خویش را باز خواهند یافت که به مفهوم واقعی قرآن بازگردند که از آن تعبیر به «بازگشت به قرآن» می‌شود و ما در این مقاله به بحث و بررسی تفصیلی این موضوع می‌پردازیم.

در این مقاله شش بحث عمده مطرح می‌شود:

۱. مفهوم قرآن.
 ۲. خصایص قرآن به عنوان مبانی اعتماد به مرجعیت قرآن.
 ۳. مفهوم بازگشت به قرآن.
 ۴. اصول و اهداف طرح بازگشت به قرآن.
 ۵. اسباب طرح بازگشت به قرآن.
 ۶. آثار و مبانی وحدت‌آفرین بازگشت به قرآن.
- اکنون در این مقاله به بسط و شرح هر یک از مطالب پیش گفته می‌پردازیم:

۱. مفهوم قرآن:

عقل و تجربه بشری در طول تاریخ هستی خویش، ثابت کرده است که هر نوع وحدتی که بر اساس ایمان به خدای بی‌همتا باشد، وحدتی پایدار و سعادت‌آور است، به طوری که صفات عداوت و کینه‌توزی را به دوستی، محبت و برادری مبدل می‌سازد. ﷻ

۱-۱. مفهوم قرآن

در لغت: درباره مأخذ اشتقاق لفظ (قرآن) آرای مختلفی ارائه شده

است که آیا این لفظ از نوع مهموز است و یا غیر مهموز؟ جمعی برآنند که این لفظ اسم علم می‌باشد برای (کتاب‌الله)، همانند دو لفظ تورات و انجیل و بنا بر قول جمعی دیگر، برگرفته از لفظ (قرن) به معنای مقارنه و نزدیکی چیزی به چیز دیگر که بر اساس این مفهوم، لفظ قرآن غیر مهموز است. اما جمعی دیگر برآنند که قرآن لفظ مهموز است بر وزن (فعلان) برگرفته از (القرء) به معنای جمع شدن و بنا بر قولی دیگر مشتق از (قرأ) به معنای تلاوت می‌باشد که قول اخیر راجح است. ناگفته نماند که عرب جاهلی، لفظ (قرأ) را به معنای تلاوت نمی‌دانستند، بلکه از آن تعبیر به نازایی حیوان می‌کردند.^۶

۱-۲. مفهوم قرآن در اصطلاح: قرآن، کتاب آسمانی، دارای اسمای دیگری نیز از جمله: فرقان،^۷ ذکر،^۸ و تنزیل،^۹ می‌باشد و تعریف اصطلاحی قرآن عبارت است از: «کلام معجزه‌ای که بر پیامبر اکرم (ص) نازل آمده و به طور تواتر به ما رسیده و



در مصاحف مکتوب است و با تلاوت آن، عبادت حاصل آید»^{۱۰}

❁ ۲. خصایص قرآن به عنوان مبانی اعتماد به مرجعیت قرآن:

مراد از خصایص قرآن در این جا، صفات خاصی است که قرآن را از کتاب‌های دیگر متمایز می‌گرداند و این مفهوم، منطبق بر معنای لغوی خصیصه نیز می‌باشد. چه‌آنکه خصیصه در لغت به معنای صفتی است که کتاب‌های دیگر، فاقد آن صفات هستند؛ به طوری که این صفات ممیزه به سبب قوت و شوکت خویش موجب شده است تا قرآن به عنوان مرجع و منبع قابل استناد و اعتماد در امور و شؤون امت قرار داده شود.

ورود به بحث «خصایص قرآن»، همانند جامعیت^{۱۱} جاودانگی^{۱۲} جهانی بودن/شمولیت^{۱۳} مصونیت از تحریف^{۱۴} و معجزه بودن^{۱۵} از آن جهت قابل اهتمام است تا ثابت شود که قرآن دارای اصول و مبانی مستحکمی است که بنای هر حکمی بر آن، همراه اعتماد و یقین است، نه اضطراب و ظنون و به همین دلیل است که قرآن کریم به عنوان مرجع اصیل و متفق همگان در حل امور و شؤون امت تحت عنوان «بازگشت به قرآن» مطرح می‌شود.

❁ ۳. مفهوم بازگشت به قرآن:

«بازگشت به قرآن» عنوانی است که محور اصلی و شعار بزرگ‌ترین جریان‌های فکری و اصلاحی در طول تاریخ اسلام خاصه در سده اخیر قرار گرفته و جایگاه ویژه‌ای در علوم قرآنی و اندیشه اصلاحی یافته است. از آن رو که جریان‌های فکری در طول تاریخ، مفاهیم مختلفی از «بازگشت به قرآن» ارائه داده‌اند، ناگزیر در این مقام باید مفهوم دقیق و مورد نظر «بازگشت به قرآن» را تعیین و تبیین نمود تا در بین مفاهیم مختلف این محور، خلط ایجاد نشود.

از جمله پرسش‌های عنوان شده در این موضوع عبارت است از: مراد از بازگشت به قرآن و هدف از طرح این شعار چیست؟ پیامدهای این شعار چیست؟ شرایط تحقق آن کدام است؟

در این مطلب و مطالب پس از آن به پاسخ این پرسش‌ها می‌پردازیم. بازگشت به قرآن در طول تاریخ اسلام دارای مفاهیم متعددی بوده است که ما

بارزترین آن‌ها را در این مقاله بیان می‌کنیم و سپس مفهوم مورد نظر خویش را در بین این مفاهیم تعیین و تبیین می‌کنیم. مشهورترین و برجسته‌ترین مفهوم «بازگشت به قرآن» عبارتست از:

۱-۳. بازگشت به قرآن به معنای قلمداد نمودن قرآن به عنوان تنها مرجع

تشریح:

بر این اساس، دیگر منابع متعارف تشریح همانند سنت، اجماع و... در مفهوم دین از آن بهره گرفته نمی‌شود. از جمله ادله این دسته از عالمان، آن است که احادیث به لحاظ سند، قابل اعتماد نیستند؛ چه آنکه در طول تاریخ، جهت محقق شدن مصالح شخصی، مورد جعل قرار گرفته است.

حسن حنفی از اندیشمندان معاصر (۱۹۳۵م) درباره احادیث می‌نویسد: «قدم تدوین و جمع - کما یقول - بلا سند شرعی؛ و قدم ذلک، بناء علی أهداف سیاسیه... و هكذا دخل الحدیث فی

متون المعركة السياسية (عدم قواعد و ضوابط)، تریبخش نخواهد بود. ﴿﴾
و من ثم وجب اسقاطه كمصدر للتشريع و

العودة الى القرآن وحده و القرآن وحده».^{۱۶}

یعنی: جمع آوری حدیث - همان‌گونه که وی می‌گوید - بدون سند شرعی و بر اساس مصالح سیاسی انجام گرفت و از این روست که باید احادیث را فاقد مرجع تشریح دانست و باید به تأکید، قرآن را به عنوان تنها مرجع، قلمداد کرد. چنین تلقی و برداشت از دین، خطرآفرین است. چه آنکه موجب تخریب بخش بزرگی از دین (یعنی سنت) می‌گردد. چنین بدبینی افراطی و مطلق نسبت به احادیث، به دور از انصاف و فاقد شیوه علمی است. آری، شکی نیست که انبوهی از احادیث موضوع (جعلی) به اسباب مختلفی در دایره سنت دخیل بوده است. اما از سویی دیگر نباید تلاش‌های بی‌وقفه دانشمندان دین در حوزه حدیث‌شناسی را نادیده گرفت که با ارائه قواعد و ضوابط خاصی تحت عنوان «علم الرجال» توانسته‌اند تا حد زیادی سره را از ناسره تمیز دهند؛ هرچند که به نظر می‌رسد باب نقد متن احادیث به اندازه نقد سند توفیق نیافته است. احادیث فراوانی در میدان



سنت وجود دارد که به سبب تواتر معنوی در صحت آن، اتفاق نظر وجود دارد. پس نمی‌توان به سبب وجود جمعی از احادیث موضوع و جعلی تمام، «سنت» رسول‌الله (ص) را متهم ساخت، بلکه به قضیه باید به میزان حق نگریست. بر همین مبنا، چنین تلقی از بازگشت به قرآن، وحدت‌آفرین نیست، بلکه عملاً موانعی بر سر راه خواهد داشت.

۲-۳. بازگشت به قرآن به معنای اهتمام به قرآن از طریق خارج ساختن آن از مهوریت ظاهری:

در این مفهوم، قرآن را باید از دست گورستان‌ها و تزئین طاقچه‌ها نجات داد و آن را به میدان جامعه آورد و همانند دروس دیگر (فقه، اصول، منطق، فلسفه، و...) جزء برنامه کتاب‌های آموزشی قرار داد و روزانه باید آن را دید و خواند و شنید.^{۱۷} از خصایص این نوع تلقی از بازگشت به قرآن، توجه به فنون گوناگون قرآن همانند: تجوید، بلاغت و معانی و به طور خلاصه ابعاد لغوی قرآن است؛ و این شیوه، مخالفتی با دیگر منابع تشریح همانند سنت و غیره ندارد. این نوع تلقی و برداشت از بازگشت به قرآن نیز نمی‌تواند امت اسلامی را از وضع نابسامان کنونی نجات دهد و موجب وحدت بین امت اسلامی شود. هرچند که وجود چنین شیوه‌ای در جامعه اسلامی ضروری است، اما کافی نیست. وجود حافظان فراوان و قاریان خوش‌الحان و اساتید فنون لغوی، از تجوید گرفته تا بلاغت و معانی و ادبیات عرب و نیز برنامه‌های متعدد و فراوان مربوط به آموزش قرآن و مسابقات بین‌المللی قرآن در اغلب کشورهای اسلامی، مؤید و شاهد این مدعاست. اما همان‌گونه که می‌بینیم، جامعه اسلامی ما همچنان در نابسامانی و بحران دینی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به سر می‌برد و اختلاف در بین امت اسلامی تا حد خون‌ریزی پیش رفته است. بر این اساس چنین مفهوم بازگشت به قرآن، کار ساز و وحدت بخش نخواهد بود.

۳-۳. بازگشت به قرآن به معنای تحصیل تجربه دینی با قرآن:

در این مفهوم هرآن‌کس که با مراجعه به قرآن کریم، تجربه‌ای حاصل نماید، در حقیقت بازگشت به قرآن تحقق یافته است.^{۱۸}

این مفهوم نیز که مبتنی بر آثار و نتایج بازگشت به قرآن است، ابزار بازگشت به قرآن را بیان نکرده است، بلکه در پی آثار آن بدون ذکر وسایل و شیوه‌های آن است و در حقیقت با چنین تلقی از مفهوم بازگشت به قرآن، نمی‌توان در خدمت اهداف عالیه وحدت قرار گرفت و فاقد جنبه عمومی است.

۳-۴. بازگشت به قرآن به معنای در اولویت قرار دادن آن برای تشریح احکام و عمل به مفاهیم فردی و اجتماعی آن با تأکید بر هدایت‌گری قرآن و خرافات زدایی:

در این مفهوم، قرآن در مرتبه نخست تشریح، قرار دارد و این نوع تلقی از بازگشت به قرآن به مفهوم حذف دیگر مراجع تشریح، همانند سنت نیست. بلکه، موضوع سخن، اولویت در تشریح با تصحیح و اصلاح زوائد موجود در تفاسیر قرآنی و تأکید بر هدایت‌گری قرآن و نیز دقت در صحت و سقم احادیث است. بازگشت به قرآن به

این مفهوم، محور شعار ﷺ محمد غزالی، متفکر اسلامی معاصر نیز سبب ضعف و سقوط سیاسی و اجتماعی مسلمانان را دوری آنان از مفاهیم واقعی قرآن می‌داند. ﷺ نهضت‌های اسلامی به خصوص در سده اخیر

قرار گرفته است. سیدجمال‌الدین افغانی و شیخ محمد عبده و محمد رشید رضا از پیش‌گامان این شعار اصلاحی می‌باشند و همین مفهوم بازگشت به قرآن است که در معیار وحدت امت اسلامی مورد توجه است.

استاد مطهری درباره نهضت بازگشت به اسلام که محور شعار سیدجمال‌الدین قرار گرفته بود، می‌نویسد: «بازگشت به اسلام نخستین و دور ریختن خرافات و پیرایه‌ها و ساز و برگ‌هایی که به اسلام در طول تاریخ بسته شده است، بازگشت مسلمانان به اسلام نخستین، از نظر سید، به معنای بازگشت به قرآن و سنت معتبر و سیره سلف صالح است. سید در بازگشت به اسلام، تنها بازگشت به قرآن را مطرح نکرده است. زیرا او به خوبی می‌دانست که خود قرآن، رجوع به سنت را لازم شمرده است».^{۱۹}

شیخ محمد عبده ضمن بیان بعضی از اسباب بازگشت به قرآن، مفهوم آن را چنین بیان می‌کند: «ما برآنیم که ضعف و عقب‌ماندگی مسلمانان و نیز از دست



رفتن قدرت آنان، ناشی از رویگردانی آنان از هدایت قرآن است. عزت، قدرت و کرامت آنان فقط با رجوع به هدایت قرآن و چنگ زدن به ریسمان آن، قابل دستیابی است. مفاهیم آیات قرآنی نیز بر این قضیه دلالت دارد. این در صورتی تحقق می‌یابد که بر احیای زبان قرآن اتفاق و تأکید گردد».^{۲۰}

❁ ۴. اصول و اهداف طرح بازگشت به قرآن:

پیش‌گامان نهضت بازگشت به قرآن، فقط به طرح شعار خویش تحت عنوان «بازگشت به قرآن» بسنده نکرده، بلکه اصول، مبانی، اهداف و راهکارهای آن را نیز در ضمن آثار خویش تبیین نمودند.

حقیقت آن است که راست‌جویان، سالکان طریق حق و اصلاح، برای آنکه اصول، خصایص عملی و اهداف مفهوم بازگشت به قرآن را دریابند، ناگزیر باید به آثار صاحبان این اندیشه باز گردند تا از تجربه اصلاحی آنان، مبنی بر بازگشت به قرآن بهره‌مند شوند.

به نظر می‌رسد که قرائت متفکرانه آثار شیخ محمد عبده و محمد رشید رضا، بهترین و شفاف‌ترین طریقه برای وصول به مفهوم بازگشت به قرآن و اصول، خصایص عملی و اهداف این نهضت محسوب می‌شود. اکنون به بیان اجمالی برخی از خصایص (اصول و اهداف) بازگشت به قرآن می‌پردازیم:

۴-۱. قرآن به عنوان کتاب هدایت و ارشاد:

یکی از اصول و اهداف بازگشت به قرآن، هدایت‌گری این کتاب آسمانی است و هر آنچه که، این کتاب بزرگ را از جنبه ارشاد و هدایت‌گری انسان‌ها بدور بدارد، در حقیقت از اصل و هدف آن بدور داشته است. این اصل قرآنی را در اندیشه شیخ محمد عبده ملاحظه می‌کنیم، به طوری که بیان می‌کند:

«آن نوع تفسیری از قرآن، مطلوب ماست که فهم دین را محقق سازد، به طوری که این کتاب، عبارت است از مجموعه دستورالعمل‌های دینی که مردم را به سعادت دنیا و آخرت رهنمون می‌سازد و مقصود والای دین (از برداشت مفاهیم قرآنی) نیز همین است و هر آنچه که غیر آن باشد پیرو یا وسیله وصول به آن است».^{۲۱}

بر اساس اصل ارشاد و هدایت‌گری قرآن کریم در نهضت بازگشت به قرآن، اجتناب از مصادیق ذیل لازم می‌باشد:

الف) اجتناب از هر نوع تفسیر خشک و بی‌روح که موجب دوری از هدف خداوند متعال و قرآن گردد.

از جمله این تفاسیر، تفسیرهای ادبی است که متأسفانه به لحاظ تطویل و تفصیل در فنون و نکات ادبی، هدف اصلی از نزول قرآن که همان هدایت و ارشاد باشد، تحت‌الشعاع این مباحث قرار می‌گیرد.^{۲۲}

ب) اجتناب از ورود به مسائل پیچیده فقهی، اصولی، کلامی و همانند آن در جمعی از تفاسیر، مجموعه‌ای از مسایل فقهی، کلامی و علمی ملاحظه می‌کنیم که جنبه ارشاد و هدایت‌گری قرآن را به حاشیه برده‌اند. تعداد آیات فقهی قرآن تقریباً بالغ بر ۵۰۰ آیه است و این رقم در مقابل ۶۰۰۰ و اندی آیه، رقم اندکی است و این امر، دلالت بر آن دارد که غرض از نزول قرآن، چیزی والاتر از مسایل جزئی است و آن همانا، جنبه هدایت‌گری آن است.^{۲۳}

ج) اجتناب از استعمال قرآن در امور خرافی

پیشوایان نهضت‌های اسلامی، خاصه شیخ محمد عبده، قرآن را کتاب هدایت و ارشاد می‌دانند و بر همین اساس، ایشان، از کسانی که درباره قرآن بدون فهم معنای آن، مبالغه می‌کنند و یا آن را در امور خرافی استعمال می‌کنند، انتقاد می‌کند و بر همین مبنا نیز، حرکات و اقوال هیجانی مستمعان صوت قرآنی را بدون فهم معانی آن نمی‌پسندد. چه‌آنکه وی سبب هیجانات موجود در مجالس قرائت قرآن را ناشی از نغمات بدون فهم معانی آن می‌داند.^{۲۴}

۲-۴. بازگشت به عصر تشریح قبل از ظهور مذاهب برای فهم دین^{۲۵}

منادیان بازگشت به قرآن، برآنند که مسلمانان صدر اسلام، دارای صحیح‌ترین فهم دین بودند و آنان جلوه حق و عدالت، فهم و اخوت و مترجم عملی کتاب آسمانی بودند و دین را به طور صحیح و بدون واسطه و شائبه از منبع اصلی آن و بدون تقلید اخذ می‌کردند و به همین دلیل یکی از ابعاد فکری نهضت‌های اسلامی، سازگاری با نظریه «اسلام بدون مذاهب» می‌باشد.

نکته مهمی که درباره بازگشت به عصر تشریح قبل از ظهور مذاهب، باید



به آن توجه کرد، آن است که تطبیق عملی این اصل، بدون وجود زمینه علمی، خطرآفرین است. بدین معنا که شرط مراجعه مستقیم به نصوص دینی برای استنباط احکام - به خصوص احکام فقه - وجود توانایی علمی لازم و مناسب در شخص، از قبیل: آگاهی از قواعد ادبیات عرب، زبان و حال مخاطبان زمان نزول، اسباب نزول، همسویی با فطرت و عقل انسانی و نیز آگاهی از علوم حدیث به لحاظ سند و متن می‌باشد.

از این روست که استاد محمد غزالی اندیشمند معاصر، استنباط احکام دین را با رجوع مستقیم به نصوص دینی، از جمله قرآن کریم، بدون توانایی لازم را خطرناک، بلکه از آفت‌های نهضت علمی جهان اسلام معاصر بر می‌شمارد و می‌نویسد:

تقلید فقه، بهتر از این نوع شیوه برداشت دینی است. چه آنکه از خصوصیات بارز این نوع شیوه غیر علمی، نوعی جرأت، تکبر و حمله به پیشوایان مذاهب، بلکه حمله همه جانبه به تاریخ است. «تابعین» چنین روشی را هرگز پیش نگرفته‌اند. برای آگاهی از دیدگاه سلف، ناگزیر باید به دیدگاه یاران رسول‌الله (ص) رجوع کرد تا به شیوه برداشت آنان از احکام پی برد.^{۲۶}

آنچه که در این باره می‌توان قضاوت کرد، آن است که رجوع مستقیم به نصوص دینی، مشروط بر توانایی علمی لازم در شخص استنباط کننده است و در غیر این وجه، پیروی آگاهانه و از روی دلیل یا استفسار از متخصصان، امری ضروری است.

۳-۴. قرآن به عنوان مرجع نخست تشریح (اولویت در تشریح)

مراد از اولویت قرآن در تشریح، آن است که مناط و معیار در تشریح احکام، قرآن است نه اجتهاد فقیهان مبنی بر روایات غیر معتمد یا اسرائیلیات. بر اساس این اصل، قرآن به عنوان معیار احکام قرار می‌گیرد و مذاهب بر اساس آن، سنجیده می‌شوند و عکس آن، مقبول نیست.

دلیل چنین رویکرد به اولویت تشریح قرآن، آن است که نصوص غیر قرآنی، دارای هیچ‌گونه حصانته نیستند، حصانته‌ای که بالاتر از مقام و منزلت عقل باشد و به همین سبب است که شیخ محمد عبده درباره احادیث می‌نویسد:

«سند حدیثی که خود، به رجال آن واقف نیستم و به خصوصیات مربوط به ثقه بودن آن ناآگاهم، چه ارزشی دارد؟ وثوق و اعتماد به رجال احادیث فقط به گونه تقلید از مشایخ نقل شده است».^{۲۷}

۴-۴. عدم ورود به تفسیر الفاظ مبهم در قرآن و حمل آن بر ظاهر:

در قرآن کریم جمعی از الفاظ و مفاهیم به طور اجمال وارد شده‌اند و منادیان نهضت اسلامی از جمله شیخ محمد عبده و محمد رشید رضا برآنند که چنین الفاظی باید به ظاهر خویش تفسیر گردند و از تأویل و توجیه آن، بدون دلیل قوی باید اجتناب ورزید. از جمله این مفاهیم، مسائل مربوط به آخرت است، همانند: صراط، میزان، جنت، نار، لوح محفوظ، کرام‌الکاتبین، حروف مقطعه یا رمزی و همچنین قصه‌های قرآنی.^{۲۸}

۴-۵. اهتمام و تأکید بر عقل در تفسیر قرآن:

سیدجمال‌الدین به

دلیل توانایی و تخصص
در علوم عقلی، همانند
منطق و فلسفه، توانست

بر جمود فکری و
تعصب ناشی از تقلید و گرایشات رهبانیت جمع اندکی از عالمان معاصر خویش
مؤثر واقع شود. از جمله این عالمان، می‌توان به شیخ محمد عبده و محمد رشید
رضا (شاگرد شیخ محمد عبده) اشاره کرد که هر دو از سالکان طریقه صوفیه
بوده‌اند.

اینجاست که از چنین نهضتی می‌توان به میانه بین معتزله عقلی و سلفیه نصی
تعبیر کرد.^{۲۹}

اهتمام به سنت‌های الهی در نظام هستی و تاریخ زندگی بشر و نیز توجه به
مسائل اجتماعی و مقاصد شریعت در آیات قرآن:

بر اساس دیدگاه منادیان بازگشت به قرآن، اهتمام به سنت الهی (قانون خداوند



متعال) در آیات قرآن مربوط به نظام هستی (از قبیل: آسمان، زمین، ماه، خورشید و طبیعت) و نیز سنت الهی در تاریخ زندگی انسان‌ها و عبرت از آن‌ها و نیز اهتمام به مسائل اجتماعی قرآن و حکمت از تشریح احکام، برای تحقق طرح «بازگشت به قرآن» ضروری است.^{۳۰}

❁ ۵. اسباب طرح بازگشت به قرآن:

در باب بازگشت به قرآن، پرسشی که مطرح می‌شود، آن است که اسباب طرح بازگشت به قرآن از طرف پیش‌گامان نهضت اسلامی چه بوده است؟ به بیانی دیگر چه انگیزه‌هایی موجب شده است تا این نظریه به عنوان راه حل متقن و معتمد، جهت وحدت امت اسلامی مطرح گردد؟ پاسخ به این پرسش بنیادین را در سه اسباب ذیل خلاصه می‌کنیم:

۱-۵. طرح بازگشت به قرآن برای اصلاح مسائل سیاسی و اجتماعی

بحران و ضعف سیاسی و اجتماعی مسلمانان در برهه‌ای از تاریخ امت اسلامی، خاصه در سده اخیر چنین اقتضا می‌نمود که اندیشمندان و مصلحان جامعه اسلامی، در پی راه حلی برای بازیابی عزت، شوکت و قدرت اسلامی باشند. از این جهت، آنان راه حل خویش را برای خارج شدن از این بحران سیاسی اجتماعی، بازگشت به قرآن می‌دانستند.

شیخ محمد عبده از جمله نخستین پیش‌گامان این اصلاح، در این باره چنین اظهار می‌کند: «ما معتقدیم که ضعف و عقب ماندگی مسلمانان و نیز از دست رفتن سلطه آنان، ناشی از رویگردانی آنان از هدایت قرآن است. عزت، قدرت و کرامت آنان فقط با رجوع به هدایت قرآن و تمسک به ریسمان آن، قابل دستیابی است. مفاهیم آیات قرآنی نیز بر این قضیه دلالت دارد و این، فقط در صورتی تحقق می‌یابد که بر احیای زبان قرآن، اتفاق و تأکید گردد».^{۳۱}

محمد غزالی، متفکر اسلامی معاصر نیز سبب ضعف و سقوط سیاسی و اجتماعی مسلمانان را دوری آنان از مفاهیم واقعی قرآن می‌داند. وی می‌نویسد: «اگر مسلمانان به [مفاهیم] قرآن با دقت و درستی می‌نگریستند، هرگز گرفتار تسلیم، سقوط، استبداد سیاسی و ظلم اجتماعی نمی‌شدند. برای جلوگیری از

سقوط، کافی بود که از واقعیت‌های اقوام پیشین در قصه‌های قرآنی عبرت بگیرند. ولی از آنجا که [مسلمانان] قرآن را از زندگی خویش کنار گذاشتند، مشکل آنان نیز آغاز شد.^{۳۲}

همچنین دیگر متفکران اسلامی و پژوهش‌گران، ضعف یا سقوط سیاسی و اجتماعی را از مهم‌ترین اسباب طرح بازگشت به قرآن دانسته‌اند و به علت اهتمام به قضیه، آثاری را تحت همین عنوان (العودة الی القرآن/بازگشت به قرآن) تدوین کرده‌اند و در آن برای حل این بحران بر عنوان «بازگشت به قرآن» تأکید کرده‌اند.^{۳۳}

۲-۵. طرح بازگشت به قرآن برای اصلاح اعتقادات دینی و بدعت‌زدایی و خرافات‌گریزی:

گاه خرافات، بدعت‌ها و اعمال شرک‌آمیز مبنی بر تفاسیر نادرست و تأویلات

شیطانی در عقیده

استاد مطهری درباره نهضت بازگشت به اسلام که محور شعار سیدجمال‌الدین قرار گرفته بود، می‌نویسد: «بازگشت به اسلام نخستین و دور ریختن خرافات و پیرایه‌ها و ساز و برگ‌هایی که به اسلام در طول تاریخ بسته شده است، بازگشت مسلمانان به اسلام نخستین، از نظر سید، به معنای بازگشت به قرآن و سنت معتبر و سیره سلف صالح است. سید در بازگشت به اسلام، تنها بازگشت به قرآن را مطرح نکرده است. زیرا او به خوبی می‌دانست که خود قرآن، رجوع به سنت را لازم شمرده است» کتاب

صحیح دینی نفوذ پیدا کرده و حقیقت دین در لابه‌لای غبارهای گذر زمان و دخالت‌های فرهنگی و سیاسی، مدفون می‌شود. در

این‌جاست که مصلحان جامعه به ازاله خرافات و بدعت‌ها، بر اساس بازگشت به مفاهیم توحیدی قرآن مبادرت می‌ورزند که هدف نهایی از این امر، پاکدینی است.^{۳۴}

استاد مطهری نیز از جمله اهداف اصلاح طلبانه سیدجمال‌الدین را تحت عنوان ذیل بیان می‌کند: «بازگشت به اسلام نخستین و دور ریختن خرافات و پیرایه‌ها و ساز و برگ‌هایی که به اسلام در طول تاریخ بسته شده است».^{۳۵}

۳-۵. بازگشت به قرآن برای اصلاح ناپایداری و ضعف موجود در بخشی از احادیث:

ورود احادیث موضوع (جعلی) و نیز احادیث ضعیف در حوزه دین، موجب



گشته است تا دین اسلام به مذاهب و مکاتب مختلف و گاه متضاد مبدل شود. عالمان و پژوهش‌گران دینی درباره بررسی صحت و سقم رجال احادیث (سند) سنگ تمام گذاشته‌اند. اما به نظر می‌رسد که اهتمام آنان به نقد متن حدیث به مراتب کمتر از نقد سند حدیث می‌باشد. همین امر باعث شده است که قواعد و ضوابط مربوط به نقد متن احادیث در مقایسه با نقد سند احادیث بسیار ناچیز باشد.

همچنین پژوهش‌گران درباره نقد متن، پژوهش‌های تطبیقی قابل ملاحظه‌ای انجام نداده‌اند و در نقد متن از دانش‌های دیگر از قبیل تجارت، پزشکی و جامعه‌شناسی کمتر استفاده شده است.^{۳۶}

بررسی سند احادیث (علم‌الرجال) بدون نگاه به متن حدیث، موجب می‌گردد که بسیاری از احادیث موضوع یا ضعیف به عنوان احادیث صحیح یا آحاد قلمداد گردند. به همین سبب، «بازگشت به قرآن» یکی از شیوه‌های رهایی از روایات متزلزل می‌باشد که از طریق «عرض احادیث بر قرآن» محقق می‌شود. از این رو ضروری به نظر می‌رسد که قبل از هر چیز به تعریف «نقد متن حدیث» پردازیم.

«مراد از نقد متن یا نقد محتوایی در حدیث، عبارت است از شناخت صحت و سقم حدیث از طریق بررسی الفاظ و مفاهیم حدیث، شخصیت راوی و خصلت‌های فردی و معرفتی‌اش و بررسی فضاها و فرهنگی و اجتماعی و تناسب و عدم تناسب با آن».^{۳۷}

بر این اساس، صحت احادیث، مبنی بر صحت سند (رجال) آن کفایت نمی‌کند. بلکه باید به بررسی متن آن نیز پرداخت. یکی از وجوه بررسی متن حدیث، عدم مخالفت با قرآن کریم است و دلیل آن روایات ذیل است:
روایت ابوهریره (رض) از رسول‌الله (ص) که آن حضرت فرمود:

«سیأتیکم عنی احادیث مختلفه فما جاءکم موافقاً لکتاب الله و سنتی فهو

منی و ماجائکم مخالفاً لکتاب الله و سنتی فلیس منی»^{۳۸}

روزگاری خواهد آمد که از من احادیث گوناگونی به شما خواهد رسید. پس هر آنچه که موافق کتاب خدا و سنت من باشد از من است و هر آنچه

که مخالف کتاب خدا و سنت من باشد از من نیست.


روایت امام صادق^(ع) از رسول الله^(ص):

«إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقٍّ حَقِّ حَقِيقَةً وَعَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُورًا فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ
وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ»^{۳۹}

هر حقی دارای حقیقتی است و هر صوابی دارای نوری است. پس هر آنچه که موافق کتاب خدا باشد، آن را بپذیرید و هر آنچه که مخالف کتاب خدا باشد، رها کنید.

جمعی از عالمان دین، احادیث مربوط به «عرض احادیث بر قرآن» را منکر شده‌اند، به دلیل مخالفت با احادیث صحیحی که به تمسک بر قرآن و سنت امر کرده است.^{۴۰}

شیخ دمینی در توجیه سخن منکران «عرض احادیث بر قرآن» می‌نویسد:

ذکر این نکته مهم لازم است که عمل به «اسلام بلا مذاهب» به مفهوم طرد و عدم مقبولیت اجتهاد پیشوایان مذاهب فقهی نیست، بلکه اگر اجتهاد آنان موافق کتاب، سنت صحیح و مقاصد شریعت (مفاهیم کلی دین) باشد، مقبول و اگر خلاف آن باشد، غیرمقبول است. به این معنا که مذاهب فقهی باید تابع دین باشند نه دین، تابع مذاهب فقهی. 

«من در این باره به

تدقیق و بررسی نشستیم

و چنین نتیجه گرفتم که منکران، عرض احادیث را به گونه ذیل معنا می‌کنند: هر آنچه که در احادیث آمده، ولی در قرآن وجود ندارد، باید مردود دانست و از آن جهت که اغلب احکام دینی با احادیث به اثبات می‌رسند، در صورت پذیرش چنین مفهومی از عرض احادیث، اغلب احکام مردود می‌گردند که در حقیقت به معنای انکار و تکذیب رسول الله^(ص) است.^{۴۱}

ابن قیم از جمله کسانی است که بر قاعده عرض احادیث، جهت تمیز بین سره و ناسره احادیث تأکید کرده است.^{۴۲}

به نظر می‌رسد که پیش‌گامان نهضت اسلامی، از جمله: شیخ محمد عبده و محمد رشید رضا، قاعده طلایی خویش را درباره احکام اجتهادی و جمعی از احادیث آحاد به جامعه اسلامی تقدیم کرده‌اند و آن این‌که معیار وحدت اسلامی باید دین خدا یعنی قرآن باشد و هر آنچه که به درجه نصّ نباشد، بلکه برخاسته



از اجتهاد باشد، مانند احکام اجتهادی مبنی بر جمعی از احادیث آحاد، عمل به آن الزامی نیست، بلکه هر آن‌کس که به حکم تکلیفی آن قانع گردد، می‌تواند به طور شخصی به عمل به آن مبادرت ورزد.^{۴۳}

❁ ۶. مبانی و آثار تقریبی بازگشت به قرآن:

پس از آنکه ثابت شد قرآن کریم بنا بر مجموعه‌ای از ادله متقن و مستحکم به عنوان کتاب آسمانی مشترک و مورد اعتماد امت اسلامی و به عنوان معیار وحدت، مورد قبول همگان است، باید به مبانی و آثار تقریبی آن نیز آگاه گردیم که در این مطلب به این موضوع می‌پردازیم.

الف) مبانی تقریبی بازگشت به قرآن:

مراد ما از مبانی تقریبی در قرآن، عبارت است از اصول و معیارها و نیز ابزار وصول به وحدت اسلامی که با استقراء در آیات قرآنی به دست می‌آید. پس از تأمل و تعمق در آیات قرآنی، ملاحظه می‌گردد که خداوند متعال به دو موضوع توحید و اخلاق بسیار تأکید ورزیده است که می‌توان از آن به عنوان برجسته‌ترین معیار و ابزار تقریبی یاد کرد که به اجمال به بیان این موارد می‌پردازیم:

۱. توحید

آیه شریفه ذیل، گویاترین دلیل بر معیار قرار گرفتن این موضوع عقیدتی برای وحدت است. آنجا که خداوند بی‌همتا می‌فرماید:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»^{۴۴}

بگو: ای اهل کتاب به سوی سخنی آییند که برابر بین ما و شماست: که جز خدا را بندگی نکنیم و چیزی را با او شریک نیاوریم و برخی از ما برخی دیگر را به جای خداوند، پروردگار نگیرند. اگر روی بر تافتند، بگوئید: به آنکه ما مسلمانیم گواه باشید.

همچنین بعضی از آیات قرآنی تصریح بر آن دارند که پیامبران به تبلیغ مفهوم توحید و برحذر داشتن از شرک و خرافات مکلف هستند. از جمله این آیات عبارتند از:

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ»^{۴۵}

و هیچ رسولی را پیش از تو نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی می‌کردیم که معبود [راستینی] جز من نیست، پس مرا پرستید.

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^{۴۶}

ما به میان هر ملتی پیغمبری را فرستاده‌ایم [و محتوای دعوت همه پیغمبران این بوده است] که خدا را پرستید و از طاغوت (شیطان، بتان، ستمگران، و غیره) دوری کنید.

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ»^{۴۷}

مردم یک امت [گروه] بودند، آن‌گاه خدا پیامبران را مژده‌آور و بیم‌دهنده برانگیخت.

بدین معنا که امت واحد بر اساس توحید، ایمان و عبادت خداوند بی‌همتا شکل گرفته بود و اختلاف آنان نیز با انحراف از اصول توحید و روی آوردن به سوی خرافات ایجاد گردید و خداوند متعال پیامبران را به عنوان مژده‌آور و بیم‌دهنده برانگیخت.^{۴۸}

۲. اخلاق

وجود آیات متعدد در قرآن که به رعایت نکات اخلاقی در قبال مخالفان، فرمان می‌دهد و آداب و اخلاق گفتگو را در مناسبت‌های مختلف یادآور می‌سازد، بهترین ابزار تقریبی محسوب می‌شود. از جمله این آیات عبارتست از:

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»^{۴۹}



و کسانی را که به جای خدا می‌پرستند، دشنام دهید [زیرا که آنان نیز] از روی ستم ناآگاهانه خداوند را دشنام می‌دهند.

وجه استدلال در این آیه چنین است که اگر دشنام به مشرکان جایز نباشد، به طریق قیاس اولویت، هر نوع اذیت و آزار به برادر اسلامی نیز جایز نیست.

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»^{۵۰}

به راه پروردگارت با حکمت و پند پسندیده فراخوان و به روشی که آن [روش] بهتر است با آنان مناظره کن. به راستی پروردگارت به [حال] کسی که از راهش گمراه باشد، داناتر است و او به راه یافتگان [نیز] داناتر است.

آیه شریفه مذکور، آداب و اخلاق مناظره و گفت و گو را به خوبی تبیین می‌کند و رعایت این آداب قرآنی، مناظره را ثمربخش خواهد کرد و یا حداقل، تکلیف با رعایت آن، ساقط می‌گردد.

ب) آثار ایجاد تقریب، انس و الفت میان مسلمانان در بازگشت به قرآن: قرآن کریم، کتاب مورد اعتماد مسلمانان، به شرط عمل مخلصانه به مفاهیم آن و تأکید بر محورهای تقریبی آن، آثار پر برکتی را جهت ایجاد تقریب بین امت اسلامی به جای می‌گذارد. از جمله این آثار پر برکت الهی عبارتست از:

۱. ایجاد امت واحده اسلامی

اگر شعار بازگشت به قرآن به عنوان محور وحدت اسلامی قرار گیرد، امت اسلامی بر اساس همین محور، گردهم می‌آیند و بر این مبنا احکام مخصوص را نسبت به احکام فرعی و اجتهادی در اولویت قرار می‌دهند و نیز با تأکید بر مفهوم بازگشت به قرآن، شعار وحدت در چارچوب یکتاپرستی تحت عنوان «توحیدالکلمه و کلمة التوحید» را عملی خواهند کرد و «اسلام بلا مذاهب» را به عنوان هویت عقیدتی خویش قرار خواهند داد.

اسلام بدون مذاهب، اسلامی است که مسلمانان بر اساس این دیدگاه، احکام

مبنی بر نصوص صریح را بر اجتهاد فقیهان، مقدم می‌سازند و به عصر تشریح پیش از تأسیس مذاهب باز می‌گردند.^{۵۱}

ذکر این نکته مهم لازم است که عمل به «اسلام بلا مذاهب» به مفهوم طرد و عدم مقبولیت اجتهاد پیشوایان مذاهب فقهی نیست، بلکه اگر اجتهاد آنان موافق کتاب، سنت صحیح و مقاصد شریعت (مفاهیم کلی دین) باشد، مقبول و اگر خلاف آن باشد، غیرمقبول است. به این معنا که مذاهب فقهی باید تابع دین باشند نه دین، تابع مذاهب فقهی.

ایجاد امت واحده اسلامی، در حقیقت پاسخ به فرمان الهی درباره وحدت و اجتناب از تفرقه است. موضوع وحدت را می‌توان در آیات متعددی از قرآن، از جمله: آل عمران، آیات ۱۰۳ و ۱۰۵، حجرات، آیات ۱۰ و ۱۳ و انبیاء، آیه ۹۲ ملاحظه نمود و وجود آیات فراوان مربوط به وحدت، دلیل بر اهمیت این قضیه است. به طور مسلم، مفهوم وحدت با محوریت قرآن، تقویت و با ترجیح مذهب (امور اجتهادی و فرعی) بر امور کلی دین، تضعیف می‌گردد.

در اثر و نتیجه این وحدت، مسلمانان از ضعف و عقب ماندگی، بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رهایی خواهند یافت و از چنگ اسارت استعمار شرق و غرب در خواهند آمد و به استقلال همه‌جانبه خواهند رسید. خلاصه سخن آنکه با محوریت قرار دادن قرآن، ابتدا، اندیشه دینی و جهان‌بینی انسان متغیر و آن‌گاه آثار عملی خود را در پی خواهد داشت. چه خوش گفته است اقبال لاهوری در جاویدنامه‌اش:

نقش قرآن تا در این عالم نشست
نقش‌های پاپ و کاهن را شکست
فاش گویم آنچه در دل مضمراست
این کتابی نیست چیز دیگر است
چون به جان در رفت جان دیگر شود
جان چون دیگر شد جهان دیگر شود
مثل حق پنهان و هم پیداست این
زنده و پاینده و گویاست این
اندرو تقدیرهای غرب و شرق
سرعت اندیشه پیدا کن چون برق^{۵۲}



۲. تأکید بر احکام کلی دین به جای احکام تفصیلی در راستای مقاصد الشریعه از آثار پربرکت بازگشت به قرآن، گرایش و اهتمام به کلیات و مقاصد دین و اولویت قرار دادن آن است. به طور مسلم، عمل به مقاصد شریعت در بیان احکام دین، باید براساس ضوابط و قواعد خاصی باشد. اصل بر آن است که سعادت و وحدت، با کلیات امور سازگارتر و با ورود به جزئیات، تضعیف می‌گردد. و این اصل، متناسب با آیه قرآنی ذیل نیز می‌باشد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَكُم تَسْؤُكُمْ»^{۵۳}

ای مؤمنان، از چیزهایی مپرسید که اگر برای شما آشکار شود، شما را اندوهگین کند.

هرآن‌کس نیز که افزون بر کلیات دین، به فروع و جزئیات اجتهادی آن همانند احکام مستنبط از بعضی از احادیث آحاد روی آورد، به شرطی که خود به مشروعیت آن قانع گردد، و این امر به طریقی، برای او ثابت شود، وی دارای چنین حقی است و به حکم آن، از باب شخصی عمل می‌کند. اما چنین اجتهادی برای دیگران الزام‌آور نیست.^{۵۴}

نتیجه‌گیری و توصیه‌ها

«بازگشت به قرآن» دارای مفهوم واحدی نیست، بلکه دارای مفاهیم متعدد و گاه متضاد هستند و فقط مفهومی، سعادت‌آور و وحدت‌بخش است که به معنای اولویت قرار دادن قرآن برای تشریح احکام و عمل به مفاهیم فردی و اجتماعی آن با تأکید بر هدایت‌گری قرآن و خرافات‌زدایی باشد.

طرح محض «بازگشت به قرآن»، بدون توجه به اصول و اهداف آن (عدم قواعد و ضوابط)، ثمربخش نخواهد بود.

در حوزه علوم قرآنی و نیز نهضت‌های اسلامی، آثار و پژوهش‌های ارزنده‌ای درباره ضرورت «بازگشت به قرآن» و نیز مفهوم آن ارائه شده است. اما اصول، مبانی، اسباب و اهداف آن، به طور تفصیل و تحت قواعد و ضوابط مشخصی، گردآوری نشده است و توجه به این بخش از «بازگشت به قرآن» امری ضروری است.

یکی از اصول و مبانی بازگشت به قرآن، بازگشت به عصر تشریح برای استنباط احکام دینی است. در امر بازگشت به عصر تشریح، نکته مهمی را باید مورد توجه قرار داد و آن این که شرط رجوع مستقیم به نصوص دینی از جمله قرآن کریم، وجود توانایی علمی لازم و مناسب برای استنباط کنندگان است و در غیر این صورت پیروی آگاهانه یا استفسار از متخصصان امر، لازم است.

با استقراء در آیات قرآن به دست می‌آید که خداوند متعال به دو موضوع «توحید» به عنوان معیار وحدت در قرآن و نیز «اخلاق» به عنوان ابزار آن، تأکید فراوان کرده است.

توصیه می‌شود جهت تبیین مفهوم دقیق بازگشت به قرآن، تعیین قواعد و ضوابط آن و نیز تجلیل از پیش‌گامان این نهضت و معرفی آثار ارزنده این موضوع، فعالیت‌هایی در قالب برگزاری همایش، کنفرانس، مسابقه و تألیف کتاب و مقاله ارائه گردد.

توصیه به قرار دادن موضوع «بازگشت به قرآن» در راستای تبیین مفهوم، اسباب، اصول و نتایج آن در ردیف مواد درسی علوم مختلف مقاطع آموزشی.

کتاب‌نامه:

۱. ابراهم انیس و دیگران، المعجم الوسیط، قاهره، ۱۳۹۲هـ.ق.
۲. ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن‌خلدون، تحقیق: محمد محمد تامر، قاهره، مکتبه الثقافه الدینییه، چاپ اول، ۱۴۲۶هـ.ق.
۳. ابن‌قیم، المنار المنیف، دارالکتب العالمیه، بیروت، ۱۴۰۸م.
۴. ابن‌منظور، لسان‌العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸هـ.ق.
۵. اسفندیاری، محمد، پیک آفتاب، پژوهشی در کارنامه زندگی و فکری آیت‌الله طالقانی، قم، صحیفه خرد، ۱۳۸۳هـ.ش.
۶. اشقر، عمر سلیمان عبدالله، عمان، اردن، دارالفنایس، چاپ ۱۳، ۱۴۲۵هـ.ق/۲۰۰۵م.
۷. اشکوری یوسفی، حسن، دانشنامه قرآن، قرآن پژوه، تهیه و تنظیم: بهاء‌الدین خرم‌شاهی، مقاله بازگشت به قرآن، تهران، انتشارات دوستان و ناهید، چاپ ۱، ۱۳۷۷هـ.ش.
۸. اقبال لاهوری، کلیات اقبال لاهوری، تهران، انتشارات زوار، چاپ سوم، ۱۳۸۶هـ.ش.
۹. بسته‌کار، محمد، مناره‌ای در کویر، مجموعه مقالات آیت‌الله طالقانی، تهران، قلم، چاپ دوم، ۱۳۷۸هـ.ش.
۱۰. خرم‌شاهی، بهاء‌الدین، تفسیر و تفاسیر جدید، مقاله بازگشت به قرآن، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۴هـ.ش.
۱۱. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
۱۲. دارقطنی، سنن الدار قطنی، قاهره، ۱۳۸۶هـ.ق.
۱۳. الدمینی سفر عزم الله، مقانیس نقد متون السنه، ریاض، ۱۴۰۴هـ.ق.
۱۴. زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، صیدا، المکتبه العصریه، ۱۴۲۷هـ.ق، ۲۰۰۶م.



۱۵. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، الانتقان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، انتشارات الشریف‌الرضی، چاپ ۲، ۱۴۱۱هـ.ق.
۱۶. شبستری، مجتهد، کتاب نوگرای دینی، گفتگوی حسن یوسفی اشکوری با...، تهران، قصیده، ۱۳۷۸هـ.ش.
۱۷. شحاته، عبدالله محمود، الامام محمد عبده بین المنهج الدینی و الاجتماعي، الهيئة المصریه العامه للكتاب، بی تا.
۱۸. شکعه، مصطفی، اسلام بلا مذاهب، الدار المصریه اللبناهی، ۱۴۱۶هـ.ق.
۱۹. شوکانی، محمدبن علی، فوائدالمجموعه فی الأحادیثالموضوعه، تحقیق: محمد عبدالرحمن عوض، بیروت، دارالكتاب العربی، چاپ اول، ۱۴۰۶هـ.ق.
۲۰. صبحی‌الصالح، مباحث فی علوم القرآن، بیروت، دارالعلم للملایین، ۲۰۰۹م.
۲۱. عبده محمد و رشید رضا محمد، تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۴هـ.ق / ۱۹۹۳م.
۲۲. عماره محمد، الاعمال الکامله للامام شیخ محمد عبده، بیروت و قاهره، دارالشروق، چاپ اول، ۱۴۱۴هـ.ق / ۱۹۹۳م.
۲۳. غزالی محمد، کیف نتعامل مع القرآن، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱هـ.ق.
۲۴. قاسم أحمد، العوده إلى القرآن، مصر، مکتبه مدبولی الصغیر، ۱۹۹۷.
۲۵. قاسم محمد، جمال‌الدین‌الافغانی، حیاته و فلسفته، قاهره، الهئه المصریه العامه للكتاب، ۲۰۰۹م.
۲۶. کلینی، اصول کافی، ترجمه کمره‌ای، تهران، انتشارات اسوه، چاپ ۳، ۱۳۷۵هـ.ش.
۲۷. مرادی، محمد، مقاله بازگشت به قرآن، مجله میثاق، سال دوم، شماره ۷، ۱۳۸۷هـ.ش.
۲۸. مطهری، مرتضی، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران صدرا، چاپ ۲۲، ۱۳۷۶هـ.ش.
۲۹. مهریزی مهدی، مقاله: نقد متن، مجله علوم حدیث، شماره ۴، سال هفتم، ۱۳۸۱هـ.ش.

پی نوشت:

۱. دکترای فقه و حقوق
۲. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.
۳. قرآن کریم، سوره حشر، آیه ۹.
۴. قرآن کریم، سوره شوری، آیه ۱۳.
۵. قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۳.
۶. ابن منظور، ۱۴۰۸ هـ.ق، ج ۱۱ ص ۷۸ و پس از آن، زرکشی، ۱۴۲۷ هـ.ق ج ۱ ص ۲۷۸، خطیب بغدادی، ج ۲ ص ۶۲، سیوطی، ۱۴۱۱ هـ.ق، ج ۱ ص ۱۷۸ و پس از آن، صبحی الصالح، ۲۰۰۹ م، ص ۱۷-۱۹.
۷. قرآن کریم، سوره فرقان، آیه ۱.
۸. قرآن کریم، سوره انبیا، آیه ۵۰.
۹. قرآن کریم، سوره شعرا، آیه ۱۹۲.
۱۰. صبحی الصالح، ۲۰۰۹ م، ص ۲۱.
۱۱. قرآن کریم، سوره یوسف، آیه ۱۱۱ و سوره نحل، آیه ۸۹.
۱۲. قرآن کریم، سوره فصلت، آیه ۴۲ و سوره مائده، آیه ۳.
۱۳. قرآن کریم، سوره انبیا، آیه ۱۰۷ و سوره قلم، آیه ۵۲ و سوره سبا، آیه ۲۸ و سوره اعراف، آیه ۱۵۸ و سوره فرقان، آیه ۱ و سوره حجرات، آیه ۱۳ و سوره نسا، آیه ۱.
۱۴. قرآن کریم، سوره الحجر، آیه ۹ و سوره فصلت، آیه ۴۲.
۱۵. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۳ و سوره روم، آیات ۱-۵.
۱۶. مقدمه حسن حنفی بر قاسم احمد، ۱۹۹۷ م، ص ۸.
۱۷. ر. ک: بسته کار، ۱۳۷۸ هـ.ش، ص ۱۸۶، اسفندیاری، ۱۳۸۳ هـ.ش، ص ۳۳۱، مرادی، ۱۳۸۷ هـ.ش، ص ۷۰.
۱۸. شبستری، ۱۳۷۸ هـ.ش، ص ۱۸۱.
۱۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶ هـ.ش، صص ۲۱-۲۲.
۲۰. عبده و رشید رضا/ مقدمه، ۱۴۱۴ هـ.ق، ص ۴.
۲۱. عبده و رشید رضا، ۱۴۱۴ هـ.ق، ج ۱ ص ۱۷.
۲۲. ر. ک. همان، ج ۱ ص ۲۴.
۲۳. ر. ک. همان، ج ۱ ص ۷.
۲۴. ر. ک. همان، ج ۱ ص ۲۷ و غزالی، ۱۴۱۱ هـ.ق، ص ۱۸۶.
۲۵. ر. ک: عماره، ۱۴۱۴ هـ.ق، ج ۱ ص ۱۸۳، شکعه، ۱۴۱۶ هـ.ق، کل کتاب.
۲۶. ر. ک: غزالی، ۱۴۱۱ هـ.ق، ص ۲۰۹ و ۲۵۲.
۲۷. عماره، ۱۴۱۴ هـ.ق، ج ۱ ص ۱۸۳.
۲۸. شحاته، بیتا، ص ۱۸۳.
۲۹. عبده و رشید رضا، ۱۴۱۴ هـ.ق، ج ۱ ص ۷، قاسم محمد، ۲۰۰۹ م، ص ۲۰، عماره، ۱۴۱۴ هـ.ق، ج ۱ ص ۱۸۷.
۳۰. شحاته، بیتا، ص ۱۰۵، عبده و رشید رضا، ۱۴۲۱ هـ.ق، ص ۱۶۷.
۳۱. عبده و رشید رضا، ۱۴۱۴ هـ.ق، ص ۴.
۳۲. غزالی، ۱۴۱۱ هـ.ق، ص ۲۳۱.
۳۳. ر. ک. قاسم، احمد، ۱۹۹۷ م، اشکوری، ۱۳۷۷ هـ.ش، مرادی، ۱۳۸۷ هـ.ش، خرمشاهی، ۱۳۶۴ هـ.ش.
۳۴. ر. ک. مرادی، ۱۳۸۷ هـ.ش، ص ۷۷.
۳۵. مطهری، ۱۳۷۶ هـ.ش، ص ۲۱.
۳۶. ر. ک. مهریزی، ۱۳۸۱ هـ.ش، ص ۳۰.
۳۷. ر. ک: ابن قیم، ۱۴۰۸ هـ.ق، ص ۳۷، ابن خلدون، ۱۴۲۶ هـ.ق، ص ۴، مهریزی، ۱۳۸۱ هـ.ش، ص ۳.
۳۸. دارقطنی، ۱۳۸۶ هـ.ق، شماره ۴۴۳۰.
۳۹. کلینی، یعقوب، ۱۳۷۵ هـ.ش، ج ۱ ص ۶۹.
۴۰. شوکانی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ص ۳۰۱، الدمینی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ص ۱۱۷، مهریزی، ۱۳۸۲ هـ.ش، ص ۱۸-۱۹.
۴۱. الدمینی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ص ۱۱۷ و ۳۰۰.
۴۲. ابن قیم، ۱۴۰۸ هـ.ق، ص ۳۰۳.
۴۳. ر. ک. عبده و رشید رضا، ۱۴۱۴ هـ.ق، ج ۱ ص ۱۱۸ و ۳۷.
۴۴. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۶۴.
۴۵. قرآن کریم، سوره انبیا، آیه ۲۵.
۴۶. قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۳۶.
۴۷. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۱۳.
۴۸. جهت شرح و تفصیل ر. ک: الأشقر، ۱۴۲۵ هـ.ق، ص ۴۵.
۴۹. قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۱۰۸.
۵۰. قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۱۲۵.
۵۱. ر. ک. شکعه: ۱۴۱۶ هـ.ق، تمام کتاب.
۵۲. اقبال، ۱۳۸۶ هـ.ش، ص ۴۶۶.
۵۳. قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۱۰۱.
۵۴. ر. ک: عبده و رشید رضا، ۱۴۱۴ هـ.ق، ج ۱ ص ۱۱۸ و ۱۳۷.

